

An Iranian Equivalent for Elamite ^{HALÉŠŠANA} *tibba makka*: Consumed Before the King

Mostafa Goudarzi¹, Naser Moghadam Kouhi²

¹ Professor, Department of Advanced Studies, School of Visual Art, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran, E-mail: mostafa.goudarzi@ut.ac.ir

² Ph.D Candidate of Art Research, Department of Advanced Studies, School of Visual Art, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) E-mail: moghadam_n58@yahoo.com

Abstract

The Elamite ^{HALÉŠŠANA} *tibba makka* in Persepolis Administration Tablets generally translated to allotment/consumed before the king and correlates with allocation of commodities for royal table. Achaemenid royal table has been out of the most important foundations including a manifold and extensive administration which is to prepare and distribute commodities for a large number of stewards, staffs and the royal family along with the cattle involved it. Due to the importance of the royal table, the hypothesis of the paper suggests an Iranian equivalent. Here we investigate Old Persian *patibāga- manifesting in Aramaic texts as ptbg indicates royal meal dispensed and depicts that the word would be a pivotal in royal table terminology and seems likely ^{HALÉŠŠANA} *tibba makka* and Aramaic ptbg mlk would be a literally translation for reconstructed Old Persian xšāyaθiyahyā *patibāga. It seems that the Greek potibaziš in classic texts and Elamite ba-ti-ba-zi-iš in PFNN 2268:29 should be another representation of Old Persian *patibāga. Investigating on the terminology and the administration of the royal table as a foundation serves the achaemenid studies to identify different dimensions of cultural and social and political of this era. As a result, this survey shed a light on the late ancient Persia as known for scholars for the continuity of achaemenid culture in different aspects.

Keywords: *patibāga, Royal Table, Achaemenid, Persepolis Administration Tablets, ^{HALÉŠŠANA} *tibba makka*

Receive Date: 17 September 2024	Revise Date: 16 October 2024	Accept Date: 30 November 2024
How to Cite: Goudarzi, M. Moghadam Kouhi, N. (2024). An Iranian Equivalent for Elamite ^{HALÉŠŠANA} <i>tibba makka</i> : Consumed Before the King. <i>Journal of Ancient Culture and Languages</i> , 5(1), pp. 239- 261		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی: HAL ÉŠŠANA tibba makka صرف شده در پیشگاه شاه

مصطفی گودرزی^۱، ناصر مقدم کوهی^۲
^۱استاد، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل:
mostafa.goudarzi@ut.ac.ir
^۲دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه
تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: moghadam_n58@yahoo.com

چکیده

عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka در گل‌نیشته‌های بایگانی اداری تخت‌جمشید، عموماً به صرف شده/ توزیع شده در پیشگاه شاه برگردانده می‌شود و با تخصیص کالا برای خوان سلطنتی مرتبط است. سفره سلطنتی در دوره هخامنشیان، نهادی مهم با ساختار اداری گسترده بوده است که وظیفه آن، تهیه و توزیع کالا برای تعداد پرشماری از نگهبانان، کارکنان، اعضای خاندان سلطنتی و احشام بوده که هر روز با حضور شخص شاه برپا می‌گشته است. فرض مقاله حاضر این است که خوان سلطنتی به لحاظ اهمیت آن، باید دارای عنوانی ایرانی بوده باشد. در اینجا، واژه فارسی باستان -patibāga* که در متن آرامی دانیال به صورت ptbg و برای اشاره به جیره غذایی توزیع شده از سوی دربار آمده است، بررسی می‌گردد و نشان داده می‌شود که واژه باید، عنوانی برای اطلاق به سفره سلطنتی و ملزومات آن بوده باشد و محتمل است که عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka و آرامی ptbg mlk برگردانی تحت‌لفظی از ترکیب بازسازی شده ایرانی *patibāga xšāyaθiyahyā باشند. به نظر می‌رسد که واژه یونانی potibaziš مذکور در نوشته‌های کلاسیک و نیز واژه ایلامی ba-ti-ba-zi-iš مندرج در گل‌نیشته‌های باروی تخت‌جمشید، بازنمایی‌هایی دیگر از واژه ایرانی کهن -patibāga* باشند که جملگی خوان و سفره سلطنتی را نمایندگی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: HAL ÉŠŠANA tibba makka، خوان سلطنتی، هخامنشیان، -patibāga*، الواح خزانه تخت‌جمشید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۷	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۰
استناد به این مقاله: گودرزی، م. مقدم کوهی، ن. (۱۴۰۳). پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه. پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستان، ۵(۱)، صص ۲۳۹-۲۶۱		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

۱. مقدمه

عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka ۸۲ مرتبه در گل‌نیشته‌های بایگانی اداری تخت‌جمشید (الواح بارو)^۱ در ارتباط با کالاهایی (غله، احشام و ...) که در حضور پادشاه یا مقام‌های عالی‌رتبه توزیع و مصرف شده، آمده است. ظاهراً نخستین بار والتر هینتس بود که نشان داد، واژه ایلامی ti-ib-ba/te-ib-ba را باید، «جلو» یا «پیش» معنا کرد. هنکلمن، تصریح می‌کند که makka اسم مفعول از ریشه فعل ایلامی -maki در معنای «خوردن» و «مصرف کردن» است. او، نظر ریچارد هلک^۲ و والا^۳ را دربارهٔ اینکه makka می‌تواند از ریشه فعل ma- در معنای «توزیع کردن» باشد، نمی‌پذیرد (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۴۷). و در نهایت اعلام می‌دارد که کل عبارت می‌تواند به صورت «صرف شده در پیشگاه شاه» برگردانده شود. او همچنین عبارت HAL ÉŠŠANA tibba kitka را «گسارده شده در پیشگاه شاه» معنا می‌کند (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۳). پیشتر، هلک نیز، همین معنا را برای این عبارت در نظر گرفته بود (Hallock, 1969, p. 24). ریچارد هلک، مشخص کرد که گروهی از الواح که در آن‌ها عبارت HAL ÉŠŠANA tibba

۱. «الواح بایگانی اداری تخت جمشید» (Persepolis Administration Tablets) مجموعهٔ بیش از سی هزار گل‌نیشته است که در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۹ در کاوش‌هایی که با حمایت مؤسسهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و به سرپرستی ارنست هرتسفلد و اریک اشمیت انجام گرفت، کشف شد. این الواح که عمدتاً به زبان ایلامی است، به دو دسته تقسیم می‌شود که از نظر زمانی و محتوا تفاوت‌هایی دارند: الواح بارو (PF) که زودتر کشف شد، به ثبت و ضبط دریافت‌ها و پرداخت جیره به کارکنان، مسافران و مأمورانی مربوط است که در فارس و نواحی اطراف تا شوش و کرمان در فعالیت بودند؛ اما الواح خزانه (PT) پرداخت دستمزد (عمدتاً به نقره) به صنعتگران و پیشه‌وران را شامل می‌شود که در تخت‌جمشید و نواحی اطراف مشغول به کار بودند. الواح بارو، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی تخت‌جمشید و نواحی فارس را در فاصلهٔ سال‌های ۵۰۹-۴۹۴ پ.م در خود ضبط دارد (Stopler, 2006, 93) و الواح خزانه تاریخی میان ۴۹۰-۴۶۰ پ.م دارند (Cameron, 1948, p. 1). تعداد ۷۵۳ لوح و قطعه خزانه در چند نوبت (۱۹۴۸، ۱۹۵۸، ۱۹۶۵) از سوی جورج کمرون ترجمه و منتشر شد (نک: Cameron, 1948; Dandamayev, 2003, p. 1) و تعداد ۲۰۸۷ لوح بارو نیز در سال ۱۹۶۹ از سوی ریچارد هلک ترجمه و منتشر شد (نک: Hallock, 1969). با اینکه بخشی از الواح، طبق قرارداد به ایران عودت داده شده است، اما بخش مهمی از آن هنوز در تملک دانشگاه شیکاگو است و مطالعه آن‌ها ادامه دارد (برای مطالعهٔ بیشتر نک: Henkelman, 2008 و Stopler, 2006).

۲. Richard Hallock (1906- 1980)

۳. Francois Vallat

makka/kitka به کار رفته، مرتبط با «تدارکات خوان سلطنتی» است. او از لحن متن ها این گونه برداشت می کند که عبارت مزبور، «حضور واقعی» شاه یا همسر یا پسرش را در مکان نامبرده نشان می دهد (Hallock, 1969, pp. 24- 25). در واقع به زعم هنکلمن، HAL ÉŠŠANA tibba makka/kitka «بر مکان شاه، نشسته بر خوان تأکید نمی کند؛ اشاره این عبارت در عوض، به حضور شاه به مثابه هسته دربار است، جایی که خوردنی و نوشیدنی، توزیع و صرف می شده است» (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۳). جز شاه، عبارت HAL ÉŠŠANA tibba makka/kitka برای تدارکات حضور ایرتشدونه همسر داریوش اول و پسرش ارشام (PF 730-32 و PF 733,734,2035؛ بنگرید: Hallock, 1969, 221,222 & 628)، ایردبمه مادر داریوش اول یا همسر؟ او (PF 735-40) و کرکیش شهرب کرمان (NN 0306:4-5) به کار رفته است که حاکی از آن است که با اصطلاحی اداری مربوط به طبقه سلطنتی روبرو هستیم: ۴۳ مورد در پیشگاه شاه و ۱۲ مورد اعضای خانواده سلطنتی!

کالاهای صرف شده در پیشگاه شاه یا خانواده سلطنتی، گاه شامل جو، علوفه و گاه برای حیوانات اهلی می شود که در اردوی سلطنتی نگهداری می شوند. مقادیر در نظر گرفته شده برای خوان سلطنتی، چه برای خوراک خدمه و درباریان و چه احشام، عموماً بسیار چشمگیر است. برای مثال در لوح PF 702، مقادیر معتناهی آرد برای خوراک یک روزه ۱۱،۸۸۶ نفر در نظر گرفته شده است (Hallock, 1969, p. 216). گاو، گوسفند و بز، ماکیان کوچک و بزرگ، اسب، شتر، گوزن به علاوه عسل، (انواع) نان، شراب، مربا، روغن حیوانی و پنیر، (انواع) شیرینی، انار و ... از جمله کالاهایی است که در پیشگاه شاه یا خانواده سلطنتی صرف می شده است (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، صص. ۵۲-۵۴). وسوسه انگیز است که این حجم عظیم از تدارکات را متعلق به ضیافت های مهم (نوروز؟، مهرگان، شیپ^۱، لن^۲ و ...) تلقی بکنیم، اما متن الواح چنین برداشتی را با دشواری مواجه می کند: چه اینکه، در قید تاریخ الواح اغلب، نام «ماه» آورده نمی شود و گاه، جیره برای یک مدت طولانی چند ماهه

۱. شیپ یک آئین قربانی ایلامی - ایرانی در زمان هخامنشیان است (برای آگاهی بیشتر رک: هنکلمن، ۱۳۹۹ب، صص ۱۳۸-۲۲۹)

۲. «لن» یک آئین قربانی ایلامی است که در الواح بارو برای آن پیشکش در نظر گرفته شده است (برای آگاهی بیشتر بنگرید:

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۴۳

در نظر گرفته شده است؛ این در حالی است که در الواح مربوط به تخصیص جیره به ضیافت‌های خاص، در بیشتر موارد نام ضیافت و جشن قید می‌گردد.

منطقی‌ترین تفسیر این است که این گروه از الواح را مرتبط با «خوان سلطنتی» بدانیم که هلک، تاورنیه و هنکلن نیز آن را تصریح می‌کنند و از طریق نوشته‌های کلاسیک می‌دانیم که هر روز برپا می‌شده است و تعداد پرشماری از نگهبانان و سربازان مستقر در کاخ یا اردوی سلطنتی، کارکنان و خدمه دربار و اعضای عالی‌رتبه بر سر آن حضور پیدا می‌کرده‌اند. سفره سلطنتی یک «نهاد» مهم در پادشاهی هخامنشی بود که کارکنان زیادی در آن مشغول به کار بوده‌اند و انبارها، کشتارگاه‌ها، آشپزخانه و .. زیادی نیز در تعلق این نهاد بوده است که الواح تخت جمشید، بخشی از آن را برای ما روشن می‌کند. سفره سلطنتی آن اندازه اهمیت داشت که بخش مرکزی شمایل‌نگاری‌های هخامنشیان در تخت جمشید، به آن اختصاص داده شده است (Sancisi-Weerdenburg, 1989, p. 57; Calmeyer, 1980, p. 133). از این رو، تحقیق در ساختار سازمانی این نهاد و اصلاح‌شناسی این دستگاه می‌تواند در پیشبرد مطالعات فرهنگ و اقتصاد هخامنشی یاری دهنده باشد.

هدف این تحقیق، بازسازی اصطلاح ایرانی برای «خوان» و «سفره» سلطنتی در پارسی باستان است و این منظور را با بررسی تطبیقی واژگان مندرج در متن‌های یونانی، ایلامی، آرامی و اکدی دنبال می‌کند. این متن‌ها به گونه‌ای نامتقارن واژگانی درباره نهاد خوان سلطنتی در خود مضبوط دارند اما اشاره‌ای مصرح به آن را تاکنون در این متون نیافته‌ایم. متن‌های هخامنشی (غیر از کتیبه‌های سلطنتی) که اهدافی اقتصادی، اداری یا دیپلماتیک دارند، کمتر در قید و بند تصویرسازی دقیق و یکپارچه از بازنمایی‌های انگارهمند قدرت بوده‌اند و از این رو برای دستیابی به تصویری یکپارچه و تمام‌قد از نهاد‌های هخامنشی، چاره‌ای جز بررسی مقایسه‌ای و مطالعه این متون در کنار یکدیگر وجود ندارد. همان‌طور که پیر بریان درباره متون یونانی عصر هخامنشی اظهار می‌کند: «هر چقدر هم یک طرفه ... باشد، وقتی در شبکه مشترکی از مفاهیم قرار دهیم، می‌توانیم آن را متنی مفید و دلگرم کننده درباره مطالعه هخامنشیان بیابیم» (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۵۵).

۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهشگری که به گونه‌ای گسترده درباره ابعاد مختلف «خوان سلطنتی» در دوره هخامنشیان کار کرد، مورخ هلندی سانسسی وردنبورخ بود. او در (Sancisi-Weerdenburg,)

137-141, pp. 1989) نشان داد که ضیافت سلطنتی یک مراسم نمادین در جهت بسط ایدئولوژی پادشاهی بوده است. او در (Sancisi-Weerdenburg, 1995, pp: 286-302)، به جنبه های هویتی و سیاسی خوان سلطنتی در دوره هخامنشیان پرداخت. پیش از او کالمیر (Calmeyer, 1980, p. 58)، به ارتباط بازنمایی های تخت جمشید از خدمه حامل خوراک، با گزارش های یونانی و هلنی از سفره سلطنتی اشاره کرده بود. پیر بریان (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، صص. ۶۶۳-۶۶۶) نیز همسو با سانسوسی وردنبورخ، به جنبه های نمادین سفره سلطنتی در دوره هخامنشیان می پردازد. جیکوب رایت (Wright, 2012, pp. 1066-1076)، جنبه های نمادین بازتولید خوان سلطنتی را در شهرها و از سوی مقامات عالی رتبه توصیف می کند. لولین-جونز (Llevellyn-Jones, 2013, pp. 184-184, 160)، گزارش های نویسندگان کلاسیک درباره خوان سلطنتی را دسته بندی کرده است. هنکلمن (هنکلمن، ۱۳۹۹a، ۴۱-۱۲۳)، پیوند الواح بایگانی اداری تخت جمشید را، با گزارش های کلاسیک درباره خوان سلطنتی بررسی کرده و متذکر می شود که عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka «صرف شده در پیشگاه شاه»، با خوان سلطنتی مرتبط است. پیش از او هالک (Hallock, 1969, p. 25)، این ارتباط را متذکر شده بود.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. نقطه عزیمت تحقیق، الواح ایلامی باروی تخت جمشید است و سپس تلاش می شود فرضیه های تحقیق از رهگذر قیاس اسناد ایلامی با دیگر متون هخامنشی شامل آرامی و یونانی، در پرتو شواهد از متن های فارسی میانه و نو، مستدل شود. منابع دست اول باقیمانده از دوره هخامنشیان از نظر زمانی و گستره جغرافیایی، بسیار ناپیوسته، نامتقارن و تکه تکه است. برای به دست آوردن تصویری یکپارچه و قابل فهم از این دوره، ضروری است که این منابع که به زبان های گوناگون به نگارش درآمده است، در کنار یکدیگر بررسی و مقایسه شود. امروز پذیرفته شده است که اندیشه و رهیافت های فرهنگی و اجتماعی هخامنشیان، در بستر یک فرهنگ شفاهی سترگ در جریان بوده است که محتوای این فرهنگ به گونه ای نامتوازن و قطعه قطعه از خلال کتیبه های سلطنتی، بایگانی های اداری، اسناد آرامی و حتی منابع یونانی و ... به دست ما رسیده است (Shayegan, 2012; Shahbazi, 1990; Allen, 2002, pp. 26-34) تا جایی که رولینگر (Rollinger, 2016, p. 127)، اعتقاد دارد که نویسنده ای مانند هرودوت برای تدوین تواریخ، به

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۴۵

اسنادی از دیوانسالاری ایرانی و روایت‌های شفاهی دسترسی داشته است. میشل (Mitchel, 2015, p. 364)، تأثیر فرهنگ شفاهی فارسی بر زبان و متون آرامی را نشان داده است. گرینفلد (Greenfield, 1974, p. 246)، تأثیرات زبان‌ها و فرهنگ ایرانی را بر بخش‌هایی از کتاب مقدس، کتاب عزرا و کتاب دانیال توضیح می‌دهد. ویسهوفر (Wiesehöfer, 1996, p. 18)، تفاوت‌های نگارشی و محتوایی موجود در رونوشت‌های ایلامی و اکدی را با رونوشت‌های فارسی باستان در کتیبه‌های سلطنتی یادآور می‌شود. بدین ترتیب، توجه به این تفاوت‌ها در اسناد بر جای مانده از دوره هخامنشیان می‌تواند حقایق مهمی را برای ما برملا سازد؛ تا جایی که واترز درباره کتیبه‌های سه زبانه معتقد است: «این اختلافات می‌تواند ما را یاری کند، از میان این حذف و اضافه و جرح و تعدیل‌ها، برخی پیام‌های فرهنگی را رمزگشایی کنیم» (Waters, 2014, p. 12).

۴. بحث

۴-۱. خوان سلطنتی به مثابه یک نهاد در متون کلاسیک

نویسندگان یونانی درباره اهمیت و کارکرد خوان سلطنتی در دوره هخامنشیان قلم‌فرسایی کرده‌اند: پلیانوس^۱ می‌نویسد که اسکندر در کاخ پارس [پارسه؟]، لوحی مفرغی مشاهده کرد که بر روی آن فهرستی از کالاهای مصرفی صبحانه و شام شاه درج شده بود: «آرد گندم اعلا ۱۰۰ ارتبه [واحد وزن]...، گوسفند نر ۴۰۰ رأس، گاو نر ۱۰۰ رأس، اسب ۳۰ رأس... (پرندگان، ادویه، روغن)، شراب ۵۰۰ مریش [واحد وزن]... در صبحانه و شام... این مقادیر روزانه خواهد بود...» (Calmeyer, 1980, p. 58). بریان از دینون^۲ و کتزیاس^۳ نقل میکند که هر روز پانزده هزار تن و از جمله تعداد زیادی سرباز، در محوطه دربار غذا می‌خوردند (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص. ۵۴۷). به نوشته هراکلیدس^۴ روزانه هزار حیوان برای خوان سلطنتی کشتار می‌شد (Wright, 2012, p. 1070). شاید این حجم

^۱ Polyaeus مورخ عصر هلنی.

^۲ Dienon. مورخ رومی سده چهارم م.

^۳ Ctesias. مورخ و پزشک یونانی در دربار پارسی، سده پنجم و چهارم پ.م.

^۴ Heraclides

عظیم از تدارکات روزانه، در نگاه مخاطب امروزی عراق آمیز و شبیه افسانه‌های شرقی به نظر بیاید، ولی همین آمار را کم و بیش در الواح بایگانی اداری تخت جمشید (الواح بارو) مشاهده می‌کنیم (نک: هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۴).

خوان سلطنتی هر روز و با حضور شخص شاه برپا می‌شد. ضیافت‌ها گاه به صورت جشن برگزار می‌شد که مهم‌ترین آن‌ها به یونانی tykta نامیده می‌شد که رایت آن را تلفظ یونانی و واژه به واژه tuxta* پارسی باستان می‌داند (Wright, 2012, p. 1067). این جشن‌ها ممکن بود چندین روز طول بکشد^۱. شاه تنها و گاه با همسران خود در اتاقی مجزا و میهمانان در محوطه‌ای دیگر غذا می‌خوردند؛ اما در پایان ضیافت، ممکن بود برخی از نزدیکان را پیش خود فراخواند (Wright, 2012, p. 1069). بریان نوشته هراکلیدس را شاهد می‌آورد: «بخش اعظم گوشت و غذاهای دیگر به خارج از قصر برده می‌شد تا در ... میان نگهبانان و سربازان شاه تقسیم شود و در آنجا، گوشت‌های نیم‌خورده و نان و غیره به نسبت مساوی میان افراد لشکر توزیع می‌شد» (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص. ۶۶۵). کسانی که از سفره سلطنتی غذا یا پیشکشی دریافت می‌کردند، صاحب افتخاری مهم می‌شدند.

شاه گاهی از همان غذایی که خود می‌خورد، برای اطرافیان و نزدیکانش می‌فرستاد (بریان، ۱۳۷۷، ج ۱، ۶۶۵). گزنفون می‌نویسد: «کوروش... مقرر داشت که سفره‌خانه‌اش پیوسته از انواع غذاها پر باشد و خود از همان غذایی می‌خورد که دیگران می‌خوردند و برای این که محبت خاص خود را نشان دهد، قسمتی از غذای خود را برای دوستان و یاران غایب یا کسانی که نگهداری کاخ را بر عهده داشتند، می‌فرستاد...؛ چون می‌خواست عنایت خود را به کسی نشان دهد، ظرفی را که در آن برای او خوراکی آورده بودند به نزدش می‌فرستاد. این رسم امروز نیز در نزد پادشاهان پارس معمول است و چون برای کسی از خادمان از سفره پادشاه ظرفی از غذا می‌آوردند، عموم حضار وی را ستایش می‌کنند» (گزنفون، ۱۳۸۶، کتاب ۸، ص. ۲۳۶). و ادامه می‌دهد: کوروش «به محض این که مقداری از غذا مصرف می‌شد و دیگر احتیاجی به آن نبود، بقیه را برای افراد خارج [که سر سفره غایب بودند] می‌فرستاد که از آن متنعم شوند» (گزنفون، ۱۳۸۶، کتاب ۸، ص. ۲۵۱).

^۱ . یک نمونه از آن را در تورات، کتاب استر می‌بینیم.

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۴۷

اما خوان سلطنتی کارکردی به مراتب فراتر از تغذیه رعیت داشت: با غذاهایی که شاه برای افراد مورد عنایت خود می‌فرستاد، «ممکن بود وسایل و لوازم زندگی از قبیل تختخواب با پایه‌های نقره، خیمه، پوشش‌های خواب، آفتابگیر، جام‌های نوشابه و کنیز همراه باشد» (بریان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۶۶۷). در واقع ضیافت‌های سلطنتی بخشی مهم از ساختار دیوانسالاری بود که شاه طی آن از رهگذر اعطای هدایا و خلعت (به یونانی: *dôrophorique*)، سلسله مراتب و روابط قدرت را استحکام بخشیده و گسترش می‌داد (Llewellyn-Jones, 2021, p. 6). هدایای سلطنتی، نشان‌هایی از مقام و مرتبه صاحب پیشکش بود که در خلال برپایی خوان سلطنتی توزیع شده بود (Wright, 2012, p. 1067). لولین-جونز اعتقاد دارد که به‌طور کلی ضیافت‌های این‌چنینی در نظام‌های سلطنتی، یک صحنه نمایش و مفصل‌بندی قدرت و «راهی مطلوب برای نمایش نفوذ سیاسی» است (Llewellyn-Jones, 2013, p. 42).

با توضیحاتی که ارائه شد، مشخص می‌شود که «خوان سلطنتی» در زمان هخامنشیان یک «نهاد» گسترده با ساختار پیچیده از دریافت، بازتوزیع و مدیریت کالا و خدمات بوده است. «سازمانی تو در تو با قوانین و سلسله‌مراتب مخصوص به خود و با نیازها و تقاضاهای بسیار خاص و نیز مدیران مربوطه...» (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۵). با این حال شوربختانه در متون کلاسیک، عنوانی برای این نهاد نمی‌یابیم. منابع یونانی از *τραπέζης επιμελούμενος* نام می‌برند که «سرپرست خوان سلطنتی» است (هنکلمن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۹) که البته تحت‌اللفظی «پاینده خوان» یا «سفره‌بان» معنی می‌دهد. همچنین، با *ποτιβαζής* (*potibaziš*) روبرو هستیم که هراکلیدس او را صاحب منصبی می‌داند که «مأمور تقسیم مواد غذایی» است (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص. ۶۱۲). هینتس آن را تلفظ یونانی واژه پارسی باستان *-patibāga** دانسته و «ضیافت/جشن» معنا می‌کند (Hinze, 1975, p. 185)، زیرا از نظر او، این واژه با توصیفات درباره توزیع «تاج گل، نان گندم و جو و شراب مخلوط در فنجان‌های طلائی» همراه است (Hinze, 1975, p. 185).

با این حال تاورنیه، نظر هینتس را رد می‌کند و اعلام می‌دارد واژه را باید «مالیات شراب» معنا کرد (Tavernier, 2007, p. 443). او محتملاً می‌بایستی معنای تحت‌اللفظی واژه را مد نظر داشته که هینتس «(خمره) شراب اضافه» (*hinzu-krug*) معنا کرده است و از طرف دیگر به نظر می‌رسد واژه را با *ptbzyk* پارتی هم‌ارز می‌دانست که بر روی خمره‌های سفالین به‌دست آمده در نسا درج شده

است و عموماً معنای «خراج شراب» برای آن در نظر می‌گیرند (Diakonoff & Livshits & Mackenzie, 1979, p. 99; Khounani, 2023, p. 115). شاید به همین دلیل باشد که تاورنیه (Tavernier, 2007, p. 443) *potibaziš* را از ریشه ایرانی **bāta-bāji-š* فرض گرفته است، **bāta-* در معنای شراب (فارسی میانه: *bādag*، فارسی نو: باده) و *-bāji-* که عموماً معنای «خراج» برای آن در نظر گرفته می‌شود. تاورنیه همچنین، واژه ایلامی *ba-ti-ba-zí-iš* مندرج در لوح PFNN 2268 را نیز همان **bāta-bāji-š* می‌داند (Tavernier, 2007, p. 443). احتمالاً او نحوه نگارش *ba-ti* را با واژه پارسی باستان **bāta-* هم‌ارز دانسته است.

در الواح ایلامی تخت جمشید، حرف اضافه پیشایند پارسی باستان (در اصل مادی) *(patiy) pati-* عموماً به صورت *bat-ti-* ثبت شده است. اما در مورد لوح PFNN 2268، ما با *ba-ti-* روبرو هستیم و با توجه به اینکه در جای دیگر (یک متن آرامی بر روی هاون سنگی در تخت جمشید)، **bāta-* به صورت *b't* و نه *bt* ثبت شده است (Bowman, 1970, p. 101)، تاورنیه *ba-ti-ba-zí-iš* را به صورت **bāta-bāji-š* خوانده است. اما باید توجه داشت که ظهور *pati-* به صورت *ba-ti-* در الواح ایلامی هخامنشی بی‌سابقه نیست: برای نمونه، واژه پارسی باستان **pati-māniya* (دارایی اضافه) در لوح PT 47:6 به صورت *ba-ti-ma-nu-iš* ثبت شده است (Cameron, 1948, p. 158). همین طور در برخی نام‌های خاص که با پیشایند *pati-* همراه هستند، هر دو صورت نگارشی *bat-ti-* و *ba-ti-* را شاهد هستیم: مثلاً **Patikṛsa-* به دو صورت *Ba-ti-kur-šá* (PFNN2370) و *Bat-ti-kur-ša* (PF453) ثبت شده است (نک: Tavernier, 2007, pp. 269-70).

همچنین باید توجه داشت که واژه پارسی باستان *bātugara-* که بر بشقابی نقره مربوط به دوره اردشیر اول (*A¹I*) نقر شده است و در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود (بنگرید: محمدپناه، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۵) آشکارا از ریشه فارسی باستان **bāta-* باید باشد و در مجموع معنای «می خوری» می‌دهد (اگرچه کنت آن را از ریشه **bātu-* می‌داند، نک: کنت، ۱۳۹۱، صص. ۶۴۶-۶۴۷)؛ در نوشته‌های یونانی به صورت *batikē* آمده است و نه *potikē* (نک: بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص. ۶۲۶)، چنانچه تلقی تاورنیه چنین انتظاری را پیش می‌کشد؛ هرچند که نمی‌توان در تلفظ یونانیان از واژگان ایرانی، قاعده‌ای قابل اتکا را متصور شد.

بنابراین ممکن است کاتب با توجه به تشخیص شخصی خود، *ba-ti-ba-zí-iš* نگاشته باشد و ما با

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۴۹

وام‌واژه *pati-bāji-š* روبرو باشیم و نه *bāta-bāji-š*! والتر هینتس محتوای لوح PFNN 2268 را که این واژه در آن درج شده، با استناد به نام‌های که از هلك دریافت داشته است، مرتبط با «تأمین ۴۷۵ لیتر شراب از هفت نفر به اضافه ۳۴۷ لیتر batibaziš» می‌داند (Hinz, 1975, p. 185). افزون بر این باید توجه داشت که bāji- فارسی باستان و صورت‌های یونانی: -bažiš، ایلامی: -baziš آرامی: bz/bzy (کینگ مندرج در متن‌های آرامی تخت جمشید را همان bāji- فارسی باستان می‌داند؛ نک: King, 2019, p. 165)، کارکردی دوسویه داشته است؛ یعنی علاوه بر اطلاق به «دریافتی پادشاه» از رعایا، این واژه برای پیشکش‌ها «از سوی پادشاه» به رعایا نیز به کار می‌رفته است که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت. بدین ترتیب *pati-bāji-š* و ptbzyk مندرج در سفالینه‌های پارسی همزمان می‌تواند معنای «پیشکش از سوی پادشاه» را نیز در خود داشته باشند.

۲-۴. خوان سلطنتی در متن‌های آرامی

آرامی‌ها جوامعی چادرنشین در جنوب دمشق و لبنان تا حلب و کرانه‌های رود فرات بودند که در سدهٔ دهم پیش از میلاد یا اندکی پیش‌تر در تاریخ ظاهر می‌شوند (Millard, 2003, p. 230) و به زودی مناطق گسترده‌ای از کرانه‌های شرق مدیترانه تا کوه‌های زاگرس که پیش‌تر به زبان‌های گوناگون چون کنعانی، اکدی یا زبان‌های ایرانی سخن می‌گفتند، گویشورانی از زبان آرامی را در کنار خود می‌یابند (Greenfield, 1974, p. 245)؛ به‌گونه‌ای که در میانه‌های هزارهٔ نخست پیش از میلاد، گویشی از آرامی که به «آرامی شاهنشاهی» معروف است، پدید می‌آید که علاوه بر اینکه در قامت زبانی میانجی در خدمت دستگاه سلطنتی بابل، آشور و ایران (هخامنشیان) درمی‌آید خود، واژه‌های بسیاری را از این زبان‌های میزبان به امانت برمی‌گیرد. از جملهٔ متون آرامی که در این دوره به نگارش درآمده، بخش‌هایی از کتاب مقدس شامل عزرا، نحمیا، استر و دانیال و ... است که به «دورهٔ معبد دوم» معروف‌اند و علاوه بر اینکه به پادشاهان پارسی می‌پردازند، واژه‌های ایرانی پرشماری را نیز در خود مضبوط دارند (Waters, 2014, p. 13).

از جملهٔ متون دورهٔ معبد دوم، کتاب دانیال است که مجموعه‌ای از پندها و اندرزهای سیاسی منسوب به دانیال نبی را در بر دارد. دانیال در سدهٔ ششم پیش از میلاد می‌زیست؛ اما متن کتاب، ظاهراً در سدهٔ دوم ق.م به آرامی و عبری تنظیم شده است (دیاکونوف، ۲۵۳۷، ص. ۴۴). کتاب از

نظر تاریخی محتوایی قابل اتکا ندارد، ولی وام‌واژگان ایرانی کهن (پارسی، مادی؟) مندرج در آن قابل توجه است. از جمله این وام‌واژه‌ها یکی، ptbg است (کتاب مقدس: سفر دانیال: بندهای: ۱۱:۲۶؛ ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۸، ۵:۱) که هینتس آن را «جیره گوشت» ترجمه کرده است و آن را از patibāga* ایرانی می‌داند (Hinze, 1975, p. 185) واژه اغلب با mlk (پادشاه) همراه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی ptbg (h)mlk «غذای تخصیص یافته از سوی پادشاه/ غذای شاهی» می‌آید.

در بند ۵:۱، می‌خوانیم که برای دانیال که در دربار نبوکدنصر به اسارت درآمده است، هر روز به دستور شاه، غذایی (ptbg (h)mlk) حاوی گوشت (و شراب؟) که دیگر درباریان نیز از آن تناول می‌کنند، فرستاده می‌شود. اما دانیال از خوردن آن غذا امتناع می‌کند (۸:۱)؛ و به حبوبات (سبزیجات) روی می‌آورد (۱۱:۱). اما پس از گذشت ده روز، نگهبان او و همگانش را سالم‌تر از درباریانی می‌یابد که از «غذای پادشاه/ دربار» تناول کرده بوده‌اند (۱۵:۱)؛ در نهایت، نگهبان اجازه می‌دهد که دانیال و جوانان بنی‌اسرائیل که همراه او به اسارت درآمده‌اند، به جای غذای دربار، از حبوبات بهره ببرند. در (۲۶:۱)، مردی پیشگو، درباره پادشاه سوریه پیش‌بینی می‌کند که پادشاه را کسانی از نزدیکانش به قتل خواهند رساند: همان کسانی که پیشتر از غذای ptbg (سفره) او خورده‌اند.

bg- در نامه‌های آرامی اخومزدا (شهرب بلخ؟) به مباشرش که در سده چهارم پیش از میلاد به نگارش درآمده است و به صورت bgy ظاهر می‌شود. ناوه و شاکید، bgy را وام‌واژه ایرانی کهن از bāgya* می‌دانند (Naveh & Shakid, 2006, p. 36)؛ گسترش یافته از bāga* ایرانی کهن در معنای «سهم/ بخش». در سند شماره C1:44-45، bgy «فدیه‌ای» است که به «یشت» پیشکش می‌شود، شامل مقادیری شراب و آرد سفید و در C3:43-46، bgy فدیه و جیره‌ای شامل شراب انگور است که برای «فروشی‌ها» (prwrtn) و مسافران (زائران؟) در نظر گرفته شده است و در C1:42-43، bgy فدیه‌ای شامل آرد سفید و شراب است که به wty (وایو: خدای بادها در ایران باستان) اختصاص داده شده است (Naveh & Shakid, 2006, p. 36). تاورنیه bgy را «فدیه» و «سهم مقرر» ترجمه کرده است (Tavernier, 2007, p. 461). می‌توان در اینجا bgy را «سهم» آئینی (یا نذر؟) معنا کرد اما مشخص است که این سهم و فدیه با خوردنی و آشامیدنی

مرتبط است.

در متون اکدی، واژه ^{LU}pa-ti-pa-ba-ga را می‌یابیم، از -paθpa* فارسی باستان (یا مادی؟) در معنای «جیره راه»، به‌علاوه -bāga* که درایور آن را «تقسیم کننده» معنی کرده (Driver, 1965, p. 61) و در مجموع «تقسیم کننده جیره» را برای آن پیشنهاد می‌کند. تاورنیه هم، نظر او را پشتیبانی می‌کند (Tavernier, 2007, p. 429). در نامه‌های آرامی ارشام شهرب مصر در سده پنجم پیش از میلاد به مباشرش نه‌تیخور، ^gbgy ملک یا پردیسی است که از طرف شاه به افراد حقیقی اختصاص داده می‌شود تا روی آن کشت کنند (ایرانی کهن: -bāga*، فارسی نو: باغ). بخشی از عایدی این املاک به‌صورت جنس به پادشاه پرداخت می‌شده است (Henkelman, 2018, pp. 14, 45). در همین نامه‌ها، واژه ^ghnbgr را در جایگاه عنوانی اداری و حقوقی، اما در معنای کلی «شریک، همراه» (در فارسی نو: انباز) می‌بینیم که درایور آن را از ریشه ایرانی کهن -ham-bāga* می‌داند که از نظر او، با -bāga* در معنای «ملک تخصیص یافته» مرتبط است (Driver, 1965, pp. 39-40).

وسوسه کننده است که ^ghnbgr را با واژه یونانی homotrapezos که در متون کلاسیک برای اشاره به «همسفره پادشاه» آمده، یکی بدانیم. چنین فرضی این اجازه را به ما می‌دهد که -bāga* را «سفره/خوان یا غذای پیشکش» معنا کنیم. در شاهنامه گاه «باژ» در معنای «سفره» و «خوان» آمده است:

که مرغی که زرین همی خایه کرد بمرد و سر باژ بیمایه کرد

(شاهنامه، ج ۳، ۱۳۵۳، پادشاهی دارای داراب)

در فارسی میانه «باژ» را در معنای «غذای پیشکش» می‌یابیم:

«عبدالله گجسته ... روزی گرسنه و تشنه به آتشگاه... آمد [بدین منظور]: باژ گیرم. آنجا کسی نبود که باژ دادی... مردی بدو گفت: چرا باید... به احسان مردم امیدوار بود که ... تو را صدقه ندهند و سست و خوار و بیحرمت دارند؟^۱» (نظری فارسانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۷).

^۱ در شعر فردوسی نیز «باژ» در معنای «احسان» و «پیشکش نذری» در بیت «پرستنده آذر زردهشت... همی رفت

با این حال، برای یکی دانستن 'hnbgr' و homotrapezos به شواهد بیشتری نیاز هست. امروزه پذیرفته شده است که -bāgya* از -bāga*، با -bāji (ادبی: سهم پادشاه) نه تنها نسبت دارد که هر دو بر یک معنی دلالت دارند (Herrenschmidt, 1989, p. 107). این واژه در کتیبه های سلطنتی عموماً به «خراج، مالیات» برگردانده می شود، اما اگر به متن رونوشت ایلامی کتیبه داریوش اول در نقش رستم ۳:۱۹ DNb و کتیبه خشیارشا XPI۶:۷ استناد کنیم، می توان آن را نسبتی «دوسویه» از پرداخت ها، پیشکش ها و تخصیص ها میان شخص پادشاه و شهروندان در نظر گرفت که البته بیشتر از سوی پادشاه صورت می گرفته است (بنگرید: گودرزی و مقدم کوهی، ۱۴۰۳). با شواهدی که ذکر شد، به نظر می رسد -patibāga*، بیشتر «تخصیص» از سوی «شاه» و دربار را نمایندگی می کند و به زعم هینتس «غذایی است که از سوی دربار همراه با گوشت و شراب تخصیص داده می شود» (Hinz, 1975, p. 185) تا خراج و موظفی که شهروندان ملزم به پرداخت آن بودند، آن گونه که تاورنیه (Tavernier, 2007, p. 521) درباره ptbg آرامی و دیاکونوف و همکارانش (Diakonoff & Livshits & Mackenzie, 1979, p. 99) درباره ptbzyk پارسی تصریح می کنند.

۳-۳. HAL ÉŠŠANA tibba makka ایلامی و -patibāga* ایرانی کهن

به نظر می آید که HAL ÉŠŠANA tibba makka در الواح ایلامی، برگردانی تحت الفظی از عبارت ptbg (h)mlk باشد که در سفر دانیال، در معنای «غذای سلطنتی» یا جیره غذایی که از سوی «شاه» یا «دربار» تخصیص یافته است آمده که بخش نخست آن یعنی: ptbg، وام واژه ای ایرانی است. اینک می توانیم اصطلاح ایرانی مرجع را به صورت *patibāga xšāyaθiyahyā بازسازی کنیم که در آن xšāyaθiyahyā صورت وابستگی واژه فارسی باستان (در اصل مادی) xšāyaθiya (= شاه) و patiy یا -pati پیشایند در معنای «در، پیش، علاوه، برابر» است (نک: کنت، ۱۳۹۱، ص. ۶۳۱). در عبارت ایلامی مذکور tibba، معادل قید پیشایند فارسی باستان patiy یا ایرانی کهن -pati*

با باژ و برسم به مشت» آمده است. مرحوم محمد معین، باژ را در این بیت به معنای «دعا» و «زمزمه» در نظر گرفته است، اما با توجه به حرف ربط «و» که «باژ» را به «برسم در مشت» افزوده است، به صواب نزدیکتر است که باژ را در معنای «پیشکش» در نظر گرفت. (نک: برهان قاطع، ج ۱، مدخل: باج).

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۵۳

می‌تواند باشد و makka اسم مفعول از ریشه فعل ایلامی ma- (تخصیص دادن) یا -maki (خوردن/صرف کردن) است. اگر makka را برابر -bāga* در نظر بگیریم، در این صورت نظر هلک پذیرفتنی خواهد بود که آن را از ریشه فعل ایلامی ma- (تخصیص دادن) می‌داند؛ هرچند اشتقاق هنکلمن نیز، مانعی در این استدلال به‌شمار نمی‌آید. به‌نظر می‌آید که واژه ایلامی makka از نظر کاتب، برای نمایندگی -bāga* ایرانی به‌ویژه زمانی که با اشربه سر و کار داشته، کفایت نمی‌کرده است از این‌رو در چنین مواردی از واژه kitka از فعل -kiti بهره برده است که تحت‌اللفظی معنای «ریختن در ظرف» را دارد (Hallock, 1969, p. 714) و در اینجا منظور «توزیع مایعات» است. ممکن است عبارت tibba kitka نیز خود، برگردانی واژه به واژه از پارسی باستان (در اصل مادی)، -pati-gāra* باشد که در فارسی میانه به صورت paygāl* و فارسی نو «پیاله» درآمده است (برای استدلال‌هایی درباره واژه پیاله نک: Herzfeld, 1938, 113-115). -gāra* از ریشه فعل ایرانی کهن garH* در معنای «بلعیدن» و «ریختن» (نک: کنت، ۱۳۹۱، ص. ۶۴۷ و Cheung, 2007, pp. 108-109) و در مجموع، HAL ÉŠŠANA tibba kitka را شاید بتوان «پیاله شاهی» ترجمه کرد. در اینجا «پیاله» می‌تواند استعاره‌ای از مجلس میگزاری شاه باشد، یا استعاره‌ای از نهاد زیرمجموعه دربار باشد که وظیفه فراهم کردن و توزیع شراب در مجالس سلطنتی را به عهده داشته است. در زبان فارسی، اغلب پیش می‌آید که بخشی از یک مجموعه، دلالت بر کل آن مجموعه داشته باشد.^۱

patibāga* صورتی دیگر از -patibāji* و -bāji فارسی باستان معنای کلی «سهم پادشاه» (-Sansici) را (Weerdenburg, 1989, p. 137) یا «پرداخت دین» (Tuplin, 2008, pp. 326 & 384) را دربردارد. همان‌طور که ذکر شد، این پرداخت دوسویه بود؛ به‌طوری که می‌توان ادعا کرد در سامانه بازنمایی‌های ایدئولوژیک، پرداخت از سوی شاه در مفهوم -bāji اولویت داشته و بر پرداخت‌ها از سوی شهروندان تقدم داشته است (گودرزی و مقدم کوهی، ۱۴۰۳). اگر به کتیبه نقش رستم اتکا کنیم، شاه بیشتر تمایل دارد ببخشد تا اینکه بگیرد و این را نوشته‌های کلاسیک نیز تأیید می‌کنند. در کتیبه نقش رستم شاه، به آورنده -bāji بسیار می‌بخشد (گودرزی و مقدم کوهی، ۱۴۰۳).

۱. مثلاً «در» برای اشاره به دربار، «تخت»، استعاره‌ای از سلطنت و آستانه، استعاره‌ای از بارگاه است.

با توجه به متن کتاب *دانیال* و دلالت‌های نویسندگان یونانی از $\rho\tau\iota\beta\alpha\zeta\eta\varsigma$ (potibaziš)، می‌توان ادعا کرد که در اینجا *bāga** یا *bāji* مرتبط با «خوان سلطنتی» و جیره‌ای است که از سوی دربار توزیع می‌شود. در مجموع می‌توان $\chi\acute{s}\acute{\alpha}y\alpha\theta\iota y\acute{a}h\acute{y}\acute{\alpha}$ * patibāga را، «خوان سلطنتی» یا «سفره سلطنتی» معنا کرد. این برگردان خیلی «کلی» و البته با مسامحه است؛ چون همان‌طور که در متون یونانی دیدیم، potibaziš گاه به «مسئول» توزیع جیره اطلاق می‌شود. شاید یونانی‌ها به دلیل اطلاعات غیردقیق، این دلالت معنایی را به دیگر اجزای نهاد توسعه داده باشند، با این حال اگر هم چنین باشد به استدلال ما خدشه کلی وارد نمی‌سازد.

شاه هخامنشی تلاش دارد در بازنمایی‌های تصویری و نوشتاری، سلطنت و دربار خود را، بازنمودی از فراوانی و ثروت اهورامزدا معرفی کند و تنوع خون او، تنوع و فراوانی امپراتورپاش را نشان می‌دهد که تجلی بلافصل رحمت خداوند است (Wright, 2012, p.1069). در اصل جهانشاهی شاه، تجلی ملکوت اهورامزدا و کاخ شاه در شوش یا پارسه، نمونه‌ای کوچک از جهان جهانشاهی او است (Lincoln, 1996, p. 167; Root, 2010) و خون او، نمونه‌ای نمادین از کل دربار و جهانشاهی است. و همان‌گونه که اهورامزدا از طریق *vašnā* که لینکلن آن را «ثروت» و «مکنت» ترجمه می‌کند (Lincoln, 1996, pp. 147-148)، شاه و بندگان خود را متنعم می‌سازد، شاه نیز به‌عنوان نماینده اهورامزدا در چنین جایگاهی می‌نشیند و چنین وظیفه‌ای را برای خود اصل می‌داند.

عنوان «شاهی/سلطنتی» عنوانی است که در الواح تخت جمشید مرتباً به‌صورت مضاف (بعضاً با پایانه وابستگی به‌صورت : EššANA-na) برای برخی کالاها به کار می‌رود که تعلق بی‌واسطه آن کالا را به حوزه سلطنت شامل: شاه، ملکه، همسر و شاهزادگان نشان می‌دهد. هنکلن این صفت را در معنایی گسترده‌تر به کار می‌گیرد و معتقد است «شاهی/شاهانه» علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، باید وجهی «ایدئولوژیک» نیز داشته باشد (هنکلن، ۱۳۹۹ا، ص. ۴۵). طبیعتاً تدارکات مربوط به آنچه «شاهی» است، چه از نظر کمی و چه به‌لحاظ کیفیت، در سطحی ممتاز انجام می‌شده است. آنچه از سفره «شاهی» (چه اشربه و خوراک و چه کالاهای دیگر) نصیب رعایا می‌شد برای پذیرندگان، شأنی ممتاز به ارمغان می‌آورد. به گفته گزنفون، یک نفر تنها زمانی می‌توانست آرایه‌ها و زینت‌های خود را به نمایش بگذارد که آن‌ها را از شاه گرفته باشد (Wright, 2012, p. 1067). به همین ترتیب «غذایی که از سفره شاهی برده می‌شد، صرفاً به ارزش مصرفی

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۵۵

آن خلاصه نمی‌شد بلکه، جایگاه فرد را ارتقا داده و شأن و منزلتی برایش به حساب می‌آمد (Sancisi-Weerdenburg, 1989, p. 134).

اگر شاهزادگان نیز می‌توانستند ضیافت‌های شاهانه برپا کنند، چرا شهرها و مقامات رده پایین‌تر اقدام به این کار نکند؟ همان‌طور که درباره کرکیش شهر کرمان (۴) مشاهده کردیم، «سفره‌های شهرها نیز از سفره دربار مرکزی الگو می‌گرفته است» (Wright, 2012, p. 1066). در واقع شهرها تلاش می‌کردند از طریق «بازنمایی‌های مرکز با اقتضائات محلی خود»، سازوکار تعمیق و گسترش قدرت خود را فراهم آورند (Brosius, 2010, p. 142) مثلاً نمونه‌هایی از بازنمایی‌های چنین بارعام‌هایی را در نقوش برجسته شهر داسکیلیون می‌بینیم (Brosius, 2010, p. 144). نمونه ptbg در کتاب *دانیال* و به کارگیری این وام‌واژه پارسی (مادی؟) در جامعه‌ای بیرون از حوزه فرهنگی ایران، نشان‌دهنده گستره جغرافیایی نفوذ و بازتولید نهادهای سرزمینی در بیرون از قلمرو فرهنگی ایران است.

در پایان باید به منابعی اشاره کرد که از طریق آن، مایحتاج خوان سلطنتی تأمین می‌شده است. اصطلاح عمومی که به دریافتهای مربوط به خوان مربوط می‌شود واژه ایرانی *upa-yāta** است که در اسناد بابلی موراشو^۱ به صورت ukpiyataš آمده است (بریان، ج ۱، ۱۳۷۷، ص. ۹۶۹). هینتس، آن را «ضيافت» و «پذیرایی» معنا می‌کند (Hinz, 1942, p. 245-246). تاورنیه آن را «سهم ثانویه/ اضافی» ترجمه می‌کند (Tavernier, 2007, p. 444-445). هنکلن آن را واژه‌ای مبهم می‌داند که بر «مالیات بر جمعیت محلی» دلالت دارد (هنکلن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۶) و نوعی مالیات جنس است (بریان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۸۶۱؛ هنکلن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۶). رایت، *upa-yāta** را در مقابل ptbg آرامی می‌داند که به وضوح بر توزیع اقلام جنسی از سوی دربار اشاره دارد.

منابع خوان سلطنتی از طرق مختلف تأمین می‌گردید: خرید از رعایای محلی، مالیات بر جمعیت محلی (در قالب *upa-yāta** یا دیگر مالیات‌ها)، مالیات huthut که از نظر هنکلن احتمالاً معادل *upa-yāta** باید بوده باشد (هنکلن، ۱۳۹۹ا، ص. ۵۶). و نیز عایدی دربار از املاک، تیول‌ها و پردیس‌های سلطنتی که به اشخاص حقیقی و حقوقی اجاره داده می‌شد و مالیات آن‌ها

^۱. Murašū Archive

به صورت جنس به شاه پرداخت می‌شد (Henkelman, 2018, pp. 45-46). مثلاً در الواح ایلامی مرتباً از انتقال *kapnuški* (-*ganza**) در ایرانی: گنج) به شوش سخن به میان می‌آید که احتمالاً همین املاک سلطنتی است که اغلب به صورت جنس توصیف می‌شود. ممکن است عایدی‌های مالیاتی دیگر چون خراج (واژه آرامی-اکدی از *hlk*¹) و عشریه (در یونانی: *dekate*) و ... نیز برای سفره سلطنتی استفاده می‌شده است، اما دانش امروز به ما اجازه نمی‌دهد این روابط را بتوانیم به گونه‌ای دقیق معین کنیم.

۵. نتیجه‌گیری

عبارت پرتکرار *HAL ÉŠŠANA tibba makka* در الواح ایلامی که عموماً به «صرف شده در پیشگاه شاه» برگردانده می‌شود و اصطلاح *ptbg (h)mlk* در متون آرامی (سفر دانیال) در معنای «جیره غذایی» که از سوی شاه/دربار تخصیص داده شده است، هر دو احتمالاً برگردانی واژه به واژه از یک اصطلاح اداری دوره هخامنشیان هستند که اشاره به «خوان سلطنتی» دارد و نهادی مهم در این دوره است. در این مقاله با مقایسه اسنادی از منابع کلاسیک، آرامی، ایلامی و بابلی در کنار شواهدی از فارسی میانه و نو، اصطلاح مرجع در فارسی باستان به صورت *xšāyaθiyahyā* *patibāga** بازسازی گردید. می‌توان عنوان کلی «خوان سلطنتی» را برای آن در نظر گرفت با این حال و با توجه به متون کلاسیک محتمل است که این اصطلاح، برای دیگر اجزای این نهاد و از جمله مسئولان مربوط به «خوان سلطنتی» نیز به کار گرفته شده باشد. شناخت ساختار و اصطلاحات اداری مربوط به «سفره سلطنتی» می‌تواند ما را در مطالعه دقیق‌تر فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران باستان یاری کند از این‌رو که خوان سلطنتی یک نهاد مرکزی برای بازنمایی‌های انگاره سلطنت و مفصل‌بندی سلسله‌مراتب قدرت از طریق نظام پیچیده‌ای از تبادل هدایا و پیشکش بوده است. این نظام پیچیده شامل ثبت و ضبط خلعت و پیشکش در دفاتر ویژه خزانه و تعیین عناوین و منصب‌ها به مدد آن‌ها بوده است. خوان سلطنتی نمونه‌ای کوچک شده و متراکم از دربار

^۱. ناوه و شاکید، خراج را از *hlk* آرامی می‌داند که در متون متأخر اکدی به صورت *hr'g* ظاهر می‌شود (Naveh & Shakid, 2006, 30). درایور آن را از ریشه فعل اکدی *alāku*^m می‌داند (Driver, 1965, 70).

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۵۷

و کاخ سلطنتی و آن هم نمونه‌ای کوچک از کل جهانشاهی است که در اندیشهٔ هخامنشیان، بازتولید و بازنمایی فراوانی و حشمت اهورامزدا بر زمین است که از سوی شاه نمایندگی و بازآرایی می‌شود.

کتابنامه

- تبریزی، م. ح. ا. خ. (۱۳۴۲). *برهان قاطع* (ج. ۱). ابن سینا.
- حسن دوست، ح. (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی* (ج. ۳، چ. ۲). فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دباکونوف، ا. م. (۲۵۳۷). *تاریخ ماد (ترجمهٔ ک. کشاورز، چ. ۲)*. پیام.
- صفایی، ی. و نیکروش، ح. ر. (مترجمان). (۱۳۹۹). *شاه و نخبگان در شاهنشاهی هخامنشی*. موزه ملی ایران.
- فردوسی توسی، ح. ا. (۱۳۵۳). *شاهنامه* (چ. ۲). شرکت سهامی انتشارات کتاب‌های جیبی.
- کتاب مقدس: *سفر دانیال*. (بی تا).
- کنت، ر. (۱۳۹۱). *فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه‌نامه* (ترجمهٔ س. عریان). علمی. (اثر اصلی منتشر شده در ۱۹۵۳)
- گزنفون. (۱۳۸۶). *کوروشنامه* (ترجمهٔ ر. مشایخی، چ. ۶). علمی و فرهنگی.
- گودرزی، م. و مقدم کوهی، ن. (۱۴۰۳). *مفهوم واژهٔ پارسی باستان bāji- در منابع دورهٔ هخامنشی*. *فرهنگ و زبان‌های باستانی*، ۴(۲)، ۴۱-۶۰.
- <https://doi.org/10.22034/aclr.2024.2027868.1111>
- محمدپناه، ب. (۱۳۸۹). *کهن‌دیوار* (ج. ۱، چ. ۹). سبزان.
- نظری فارسانی، م. (۱۳۹۷). *هفت متن کوتاه پهلوی*. موسسهٔ فرهنگی انتشاراتی فروهر.
- هنکلمن، و. (۱۳۹۹a). *صرف شده در پیشگاه شاه: خوان داریوش، ایردبمه، ایرتشدونه و کرکیش، شهرب داریوش*. در ی. صفایی و ح. ر. نیکروش (مترجمان)، *شاه و نخبگان در شاهنشاهی هخامنشی* (صص. ۴۱-۱۲۳). موزه ملی ایران.
- هنکلمن، و. (۱۳۹۹b). *ضیافت پرنکه: شیپ در پارسه و ایلام*. در ی. صفایی و ح. ر. نیکروش (مترجمان)، *شاه و نخبگان در شاهنشاهی هخامنشی* (صص. ۱۳۸-۲۲۹). موزه ملی ایران.

- Allen, L. (2002). *The culture and ideology of Achaemenid kingship 404-323 B.C.* [Doctoral dissertation, University College London]. ProQuest Dissertations Publishing.
- Bowman, R. (1970). *Aramaic ritual texts from Persepolis*. The University of Chicago Press.
- Briant, P. (1998). *History of the Persian Empire* (Vol. 1, M. Samsar, Trans.). Zaryab Publications. (Original work published 1996) [In Persian]
- Brosius, M. (2010). The royal audience scene recognized. In J. Curtis & J. Simpson (Eds.), *The world of Achaemenid Persia* (pp. 141–152). I.B. Tauris and Co Ltd.
- Calmeyer, P. (1980). Textual sources of the interpretation of Achaemenid palace decoration. *Iran*, -(18), 15–33. <https://doi.org/10.2307/4299634>
- Cameron, G. (1948). *Persepolis treasury tablets*. The University of Chicago Press.
- Cheung, J. (2007). *Etymological dictionary of the Iranian verb* (A. Lubotsky, Ed.). Brill.
- Dandamayev, M. (2003). *Persepolis Elamite tablets, Old Persian (Aryan) - The Circle of Ancient Iranian Studies - CAIS*. https://www.caissoas.com/cais/archaeology/hakhamaneshian/persepolis_elamite_Tablets.htm
- Diakonoff, I. M. (1958). *History of Media* (K. Keshavarz, Trans., 2nd ed.). Payam Publications. [In Persian]
- Diakonoff, I. M., Livshits, V. A., & Mackenzie, D. N. (1979). Parthian economic documents from Nisa. *Journal of the American Oriental Society*, 99(3), 462–465.
- Driver, G. R. (1965). *Aramaic documents of the 5th century B.C.* Oxford University Press.
- Ferdowsi Tusi, H. A. (1974). *Shahnameh* (2nd ed.). Pocket Books Publishing Company. [In Persian]
- Goodarzi, M., & Moghaddam Koochi, N. (2024). The meaning of the Old Persian word bāji- in Achaemenid sources. *Ancient Cultures and Languages Review*, 4(2), 41–60. <https://doi.org/10.22034/aclr.2024.2027868.1111> [In Persian]
- Greenfield, J. C. (1974). Iranian vocabulary in early Aramaic. *Acta Iranica*, 245–246.
- Hallock, R. T. (1969). *Persepolis fortification tablets* (Oriental Institute Publications, Vol. 92). The University of Chicago Press.
- Hassandoust, H. (2014). *Etymological dictionary of the Persian language* (Vol. 3, 2nd ed.). Academy of Persian Language and Literature Publications. [In Persian]

- Henkelman, W. F. M. (2008a). Fortification archive. In W. F. M. Henkelman & A. Kuhrt (Eds.), *A Persian perspective: Essays in memory of Heleen Sancisi-Weerdenburg* (Achaemenid History XIII, pp. 101–172). Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Henkelman, W. F. M. (2008b). The LAN sacrifice. In W. F. M. Henkelman & A. Kuhrt (Eds.), *The other gods who are: Studies in Elamite-Iranian acculturation based on the Persepolis fortification texts* (Achaemenid History XIV, pp. 181–304). Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Henkelman, W. F. M. (2018). Precarious gifts: Achaemenid estates and domains in times of war and peace. *Cahiers de Studia Iranica*, 62, 13–66.
- Henkelmann, W. (2020a). Spent in the king's presence: Darius's table, Irdabama, Irtashduna and Karkish, Darius's city. In Y. Safaei & H. R. Niknush (Trans.), *The king and the elite in the Achaemenid Empire* (pp. 41–123). National Museum of Iran. [In Persian]
- Henkelmann, W. (2020b). The Persepolis banquet: Sheep in Parsa and Elam. In Y. Safaei & H. R. Niknush (Trans.), *The king and the elite in the Achaemenid Empire* (pp. 138–229). National Museum of Iran. [In Persian]
- Herrenschmidt, C. (1989). Le tribut dans les inscriptions en vieux perse et dans les tablettes élamites. In P. Briant & C. Herrenschmidt (Eds.), *Le tribut dans l'empire perse* (pp. 149–172). Peeters.
- Herzfeld, E. (1938). *Altpersische inschriften*. Verlag von Dietrich Reimer/Andrews & Steiner.
- Hinz, W. (1975). *Altiranisches Sprachgut der Nebenüberlieferungen* (Göttinger Orientforschungen III/3). Otto Harrassowitz.
- Holy Bible: Book of Daniel*. (n.d.). [In Persian]
- Kent, R. (2012). *Old Persian: Grammar, texts, lexicon* (S. Arian, Trans.). Elmi Publications. (Original work published 1953) [In Persian]
- Khounani, A. (2023). The vineyard of Parthian Arsacid Nisa (151–15 BCE): *Rent forming and cash crop agriculture from the Persepolis to ostraca*. *Aula Orientalis*, 26, 109–129.
- King, R. (2019). Taking Achaemenid Arachosia: Evidence from Persepolis. *Journal of Near Eastern Studies*, 78(2), 185–199. <https://doi.org/10.1086/703852>
- Lincoln, B. (1996). Old Persian fraša and vašnā: Two terms at the intersection of religious and imperial discourse. *Indogermanische Forschungen*, -(101), 147–167.
- Llewellyn-Jones, L. (2013). *King and court in ancient Persia 551 to 331 BCE*. Edinburgh University Press.

- Llewellyn-Jones, L. (2021). The Achaemenid court. In B. Jacobs & R. Rollinger (Eds.), *A companion to Achaemenid Persia* (pp. 477–506). John Wiley & Sons.
- Millard, A. (2003). Aramaic documents of the Assyrian and Achaemenid period. In M. Brosius (Ed.), *Ancient archives and archival traditions: Concepts of record-keeping in the ancient world* (pp. 135–153). Oxford University Press.
- Mitchell, C. (2015). The testament of Darius (DNa/DNb) and construction of kings and kingship in 1–2 Chronicles. In J. M. Silverman & C. Waerzeggers (Eds.), *Political memory in and after the Persian Empire* (pp. 171–200). SBL Press.
- Mohammadpanah, B. (2010). *Kohandiar* (Vol. 1, 9th ed.). Sabzan Publications. [In Persian]
- Naveh, J., & Shaked, S. (2006). *Ancient Aramaic documents from Bactria* (4th century B.C.). The Khalili Family Trust.
- Nazari Farsani, M. (2018). *Seven short Pahlavi texts*. Forohar Cultural Publishing Institute. [In Persian]
- Rollinger, R. (2016). Royal strategies of representation and the language(s) of power: Some considerations on the audience and the dissemination of the Achaemenid royal inscriptions. In R. Rollinger & E. van Dongen (Eds.), *Mesopotamia in the ancient world: Impact, continuities, parallels* (pp. 117–130). Ugarit-Verlag.
- Root, M. C. (2010). Palace to temple—King to cosmos: Achaemenid foundation texts in Iran. In M. J. Boda & J. Novotny (Eds.), *From the foundations to the crenellations: Essays on temple building in the ancient Near East and Hebrew Bible* (pp. 165–210). Ugarit-Verlag.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1989). Gifts in the Persian Empire. In P. Briant & C. Herrenschildt (Eds.), *Le tribut dans l'empire perse* (pp. 129–146). Peeters.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1995). Persian food: Stereotypes and political identity. In J. Wilkins, D. Harvey, & M. Dobson (Eds.), *Food in antiquity* (pp. 286–302). University of Exeter Press.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1997). Crumbs from the royal table: Food notes on Briant. In M.-F. Boussac & A. Invernizzi (Eds.), *Recherches récentes sur l'empire achéménide* (Topoi Supplément 1, pp. 297–306). Maison de l'Orient Méditerranéen.
- Shahbazi, A. S. (1990). Early Persian interest in history. *Bulletin of the Asia Institute*, (4), 257–265.

پیشنهاد برابر ایرانی برای عبارت ایلامی HAL ÉŠŠANA tibba makka: صرف شده در پیشگاه شاه ۲۶۱

- Shayegan, M. R. (2012). *Aspects of history and epic in ancient Iran: From Gaumāta to Wahnām* (Hellenic Studies Series 52). Center for Hellenic Studies. http://nrs.harvard.edu/urn-3:hul.ebook:CHS_shayeganM.aspects_of_history_and_epic_in_ancient_iran.2012
- Stolper, M. W. (2006). Persepolis Fortification Archive Project. *The Oriental Institute Annual Report* (pp. 92–103). <https://oi.uchicago.edu>
- Tabrizi, M. H. I. K. (1963). *Borhan-e Qate* (Vol. 1). Ibn Sina Publications. [In Persian]
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid period (ca. 550–330 B.C.): Lexicon of Old Iranian proper names and loanwords, attested in non-Iranian texts*. Peeters.
- Tuplin, C. J. (2008). Taxation and death: Continuities in the Persepolis Fortification Archive? In P. Briant, W. F. M. Henkelman, & M. W. Stolper (Eds.), *L'archive des Fortifications de Persépolis: État des questions et perspectives de recherches* (pp. 317–386). De Boccard.
- Waters, M. (2014). *Ancient Persia: A concise history of the Achaemenid Empire, 550–330 BCE*. Cambridge University Press.
- Wiesehöfer, J. (1996). *Ancient Persia: From 550 B.C. to 650 A.D.* (A. Azodi, Trans.). I.B. Tauris. (Original work published 1994)
- Wright, J. L. (2012). Society and politics: Banquet and gift exchange. In B. Jacobs & R. Rollinger (Eds.), *A companion to the Achaemenid Persian Empire* (Vol. 2, pp. 1065–1075). Wiley-Blackwell.
- Xenophon. (2007). *Cyropaedia* (R. Mashayekhi, Trans., 6th ed.). Elmi va Farhangi Publications. [In Persian]